

آشنایی با آثار مفقود شده عصر زین العابدین در کشمیر

دکتر شبیر احمد وانی
استاد موقتی شعبه فارسی،
دانشگاه کشمیر
shabimu@gmail.com

چکیده

از لحاظ علم و فن سرزمین کشمیر جایی منحصر به فرد بوده است. از اول در این منطقه صدها علما و دانشمندان، ادبا و فضلا، صوفیان و مورخان زندگی بسر برده اند اما متأسفانه احوال و آثار بیشتر نیاکان ما از بین رفته است. وقتی که ما آثار و شواهد تاریخی را بررسی می کنیم در می یابیم که در کشمیر چند تا چنین معروفترین مورخان بعهد سلطان زین العابدین زیسته بودند که در این زمینه آثار مهمی بر مصنفه شهود بوجود آوردند اما جایی تأسف است که امروزه برخی از آثار آن دوره بخصوص کتب های تاریخ از بین رفته است و فقط یا اسم شان در کتب های تاریخ ذکر شده است یا آنها برای نقل قول و استنباط دلیلی منبع و مرجع قرار داده شده است. در این مقاله سعی ما بر آن باشد که آن شه پاره های عظیم ادبی معرفی شود تا شاید در زمانه آینده با سعی و تلاش آن گوهر ناب بدست بیایند و لحظه های فراموش شده از سرنو تازه شوند.

واژه های کلیدی: زین العابدین، وقائع کشمیر، بحر الاسمار، تاریخ نادری، تاریخ قاضی حمید.

مقدمه:

بر طبق بررسی محققین معلوم می شود که روابط سیاسی، علمی و فرهنگی بین ایران و هند از زمانه قدیم برقرار بوده است. قبل از دمیدن پرتو اسلام در کشمیر برای اهداف بازرگانی و داد و ستد مردم آسیای میانه آمد و رفت داشتند. می گویند که چون بعهد ساسانیان معروف مصور ایران "مانی" از وطن خود تبعید شد از راه کشمیر به چین رفته بود. ۱ پس از حمله محمد بن قاسم و شکست فرمانروائی سند ه'دهیر، پسرش جی سیادر کشمیر پناه برد و بعد از مرگش شخصی بنام قاسم خان جانشینش شد و چند نفر را پیروئ خود کرده بود. ۲ بنا بر این قاسم خان اولین مسلمانی بود که در سرزمین کشمیر مستقر شد.

محمود غزنوی هم در سال ۱۰۱۵ء بعهد راجه سنگرام به کشمیر حمله کرد و تالوهرکوت رسیده بود اما نتوانست از لوهرکوت فرا تر رود. او هم چنین بار دوم در سال ۱۰۲۱ حمله کرد اما به دلیل سخت بودن زمستان باز گشت ولی اثر خود گذاشت. راجا هرش که مخالف بت پرستی بود در برابر اسلام رفتار شائسته ورزیده. به این طور در سده سیزدهم به دلیل روابط تجاری زبان فارسی و عقائد اسلامی مردم کشمیر را تحت تاثیر خود گذاشت. در آخرین دوره، پادشاهان هند سه نفر از نقاط مختلف و به دلایل مختلف وارد کشمیر شدند که افق سیاسی، سماجی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی سرزمین کشمیر را سر تا سر تغییر دادند و بر سه سپهی از تاج و تخت گرفتند. پس از حمله ذولچو و گریختن سه دیو به کشتوار رنچن پادشاهی کشمیر را بدست آورد و به بمراه خویشاوندان و وزرائی خود بدست سید شرف الدین بلبل دین مبین اسلام پذیرفت و لقب سلطان صدر الدین به خود اختصاص داد. بعد از مرگش بر سرزمین کشمیر تا چند سال هرج و مرج مستولی بود اما در سال ۱۳۳۹هـ شاه مرزا با لقب شمس الدین بر تخت شاهی نشست و رسماً حکومت مسلمانان را در کشمیر آغاز کرد.

در مورد زبان فارسی می توان گفت که وقتی بلبل شاه به کشمیر تشریف آورد زبان فارسی به نوعی در کشمیر وجود داشت که گفت و شنید مستقیم یا غیر مستقیم رنچن و بلبل شاه این امر را ثبات می کند. در سرزمین کشمیر اگرچه بذریبان و ادبیات فارسی توسط بلبل شاه کاشته شد اما میرسید علی همدانی و هم رزمانش بمکی مشگول توسعه و آبیاری آن بودند و تا دوره مغول این گیاهی، کوچک شکل سرسختی بخود گرفته که ثمر آن شاعران و نویسندگان مانند مظہری کشمیری، ملا ذہنی، ملا محسن فانی، ملا طاہر غنی، عبد الرسول استغنا، مرزا اکمل، بینش، محمد اسلم سالم، شارب، حیدر ملک چادوره، محمد اعظم دیدہ مری، بابا نصیب الدین غازی، شیخ محمد چشتی و امثال آن بودند.

اصل موضوع :

در تاریخ ادبیات فارسی عهد سلطان زین العابدین دوره زرین محسوب می شود. سلطان مذکور علماء و ادبا و فضلا و هنرمندان را از نقاط مختلف جهان به دربار خود دعوت کرد و برای درس و تدریس به طرز جدید مدارس ساخت. اولین بار سلطان زین العابدین برای دانشمندان و دانشجویان مبلغی را تعیین کرد و همچنین در مدارس اقامت آنها را ترتیب داد. او دانشمندان هند را به مناصب اعلی سرفراز کرد. وی سفیران خود را به کشورهای مختلف فرستاد و از آنجا کتابهای گوناگون در موضوعات مختلف سفارش داد. بنا بر این مجموعه عظیمی از کتب ها در کتابخانه وی که در نوشهره تاسیس شده

بود جمع شد. تاسیس دارالترجمه هم یک پیشرفت مهم برای زبان و ادبیات فارسی در کشمیر بود. بطور طبیعی همه این ابتکارات منجر به ظهور برخی از آثار مهم توسط شاعران و نویسندگان محلی کشمیر شد. معروفترین از آنها تاریخ ملک وقائع کشمیر، بحر الاسمار، تاریخ ملا نادری، تاریخ قاضی حمید الدین، تاریخ ابرابیم، شکایات، آتش بازی و جز آن است اما متأسفانه در حال حاضر هیچ اثری از این با موجود نیست.

وقائع ملک کشمیر:

نویسنده، این تاریخ ملا احمد ملک الشعرائی سلطان زین العابدین بود. ملا احمد نوه ملا احمد علامه بود و در زمان خود شاعر نويسنده و مورخ برجسته شناخته شده بود. در کشمیر وی اولین کسی است که لقب ملک الشعرا به او اعطا شد. از دیدگاه مولف کشمیر ملا احمد تلامذه، صدر المدرسين مولانا محمد افضل بخارایی بود که در عهد سلطان سکندر وارد کشمیر شد. ملا احمد اگرچه شاعر هم بود ولی وقائع ملک کشمیر یکی از مهمترین آثار وی بود. نخستین بار وقائع ملک کشمیر توسط مورخ پیر غلام حسن کهوپیهای ذکر شده است. وی در بعضی جاها رویدادهای مهم تاریخی را از وقائع کشمیر نقل کرده است. این چیز نشانگر این امر است که پیر غلام حسن از این تاریخ بهره برده است. مورخ حسن در تاریخ خود عیناً دیباچه، وقائع ملک کشمیر اینطور نقل کرده است:

” ملا احمد در دیباچه وقائع کشمیر رقمطراز است که این قلیل البضاعت بعد فراغت ترجمه مها بارت از حضور لامع النور ظل اله کج کلاه دارای داد گر رعیت پرور حامی دین متین السلطان زین العابدین انار الله برهانه مامور شد. بخصوص ترجمه تواریخ راجه های کشمیر... به نفاذ فرمان لازم الازعان سعی بلیغ کرده شد در تفحص و تجسس پوران ها و ترنگینی های مورخان عهد دیرین که زیاد از پانزده جلد مسموع بود لا محاله بحادثه، استیلای ذولچو بیاعت تغلب دارای بت شکن کتاب های دیرینه اهل هنود بالکلیه مفقود و نابود شده بود و بکمال تفتیش وصول شد. بمکی رازه ترنگینی کلپن پندت و کهیمه اندرو چهولا گرو پدمه مهر. از آن جمله بعلت اغراق مفید نگشت نسخه کهیمه اندر اما ترجمه رازه ترنگینی و غیره بمنه و کرمه فی الفور به اختتام انجامید. بتوجه پر جا پندت چند اجزای تاریخ دیرینه مصنفه، پندت رتناگر بر اوراق توز مرقوم بود عند المطالعه یافته شد. از متن آن احوال سی و پنج کس از راجه های او ائل کلجوگ و غیره که پندت کلپن بعد وثوق اخبار و نایابی این نسخه مجرة تعویق و تعطیل انداخته بود. و بفرمان گیهان زمان افزانش نسخه رتناگر

در متن ترجمه خود ملحق کرده تکمیل و ترتیب آن باعث مسرت اخیار روزگار گردید" ۳-

از این عبارت معلوم می شود که وقائع ملک کشمیر بر خلاف نظر غلام محی الدین تصنیف مستقل نبود بلکه ترجمه راز ترنگی و پراپها بود. پیر غلام حسن در جریان سفر خود نسخه خطی از وقائع ملک کشمیر را از شهروند افغانی ملا محمد که در یکی از روستای راولپندی زندگی بسر می برد، به دست آورد. به توسط وقائع کشمیر پیر غلام حسن از احوال سی و پنج پادشاهان بنمود آگاه شد که اطلاعات آنها در دسترس پندت کلپن نبود. اما کمال تعجب است که قبل از مورخ حسن هیچ کس از مورخین متقدمین کشمیر مثل سید علی، حیدر ملک چادوره و محمد اعظم دیده مری به این تاریخ اشاره نکرده است.

بحرالاسمار:

اگرچه مهم ترین اثر ملا احمد وقائع ملک کشمیر است اما این نکته نیز قابل ذکر است که ملا احمد به دستور سلطان زین العابدین "کتها سرت ساگر" را به فارسی برگردانده و بنام "بحرالاسمار" موسوم گشت. امکان دارد که این ترجمه کامل نبوده باشد زیرا در سال ۱۵۹۴ میلادی شهنشاه اکبر به ملا عبد القادر بدایونی را دستور داد که این ترجمه را تکمیل کند اما چون در زمان شهنشاه اکبر ترجمه ملا احمد نسبتاً در فارسی قدیم بود بنا بر این بادشاه برای ترجمه نو و کامل فرمان داد. منتخب التواریخ نشان می دهد که این کتاب مشتمل بر چند جلد بوده است. بدایونی هیچ چیز در باره این ترجمه نگفته است که این ترجمه از چیست و اسمی از راج ترنگی نبرده است اما فقط نوشته است که ترجمه ای از افسانه هندی است. عبارت ملا عبد القادر بدایونی ملاحظه بفرمائید:

"همان روز حکم شد که بقیه، افسانه هندی را که بفرموده، سلطان زین العابدین بادشاه کشمیر بعضی از آن ترجمه شده و بحرالاسمار نام نهاده است و اکثری مانده ترجمه کرده تمام سازد و جلد اخیر آن کتاب را که به ضخامت شصت جزو است در مدت پنج ماه به تمام رساند و مقارن این حال شبی در خواب گاه خاصه نزدیک بیپایه تخت طلبیده تا بامداد حکایت از بر باب پرسیده. حکم فرمودند که چون در جلد اول بحرالاسمار سلطان زین العابدین ترجمه فرموده فارسی قدیم و غیر متعارف است آنرا بم تو از سر نو عبارتی مانوس بنویس و مسوده این کتب را که خود ترجمه کرده نگا بدار" ۴

با گذشت زمان، این کتاب مهم وجود خود را از دست داده و اکنون تنها اسم آن در کتب تاریخ باقی مانده است. علاوه بر این اثر مهم ملاحمد، ترجمه مہا بہارت، بود کہ این ہم از سانسکرت بہ زبان فارسی منتقل کردہ بود.

زین العابدین خودیک شاعر و نویسنده بود. معروفترین آثاروی "شکایات" و "آتش بازی" بودند. متاسفانه این ہم از مرور و عبور زمانہ ناپدید شدند. آتش بازی در قالب سوال و جواب بود کہ در آن سلطان زین العابدین بہ میر آتش خود 'حبیب' را ترکیب و تہیہ مواد منفجرہ آموزش دادہ بود. 'شکایات' درباره بی ثباتی، جہان و فنا شدن تمام اشیا بود. موضوع دیگرش شکایت از فرزندانش بود. در این باب عبارت از 'کشیر' ملاحظہ بفرمائید:

Zain-ul-Abidin dictated instructions to Habib, the Mir Atish in the form of Questions and Answers on the composition and preparation of explosives. He composed the Shikayat (plaint) "treating of the vanity of all objects", in his old age. Both these were in persian.^۵

تاریخ نادری:

در مورد مولانا نادری اطلاعات زیادی در دست نیست فقط این قدر می دانیم کہ او بعہد سلطان زین العابدین زندگی بسر می برد و بعد از ملا احمد کشمیری بمنصب ملک الشعرا ی فانزگشت. از گفتہ حیدر ملک معلوم می شود کہ ملا نادری کثیر التصانیف بود ولی امروز ہیچ اثری ازش باقی نیست. مہم ترین اثرش تاریخ نادری بود کہ بعہد سلطان زین العابدین نگاشته شدہ است و اولین بار حیدر ملک چادورہ از این تاریخ بہرہ بردہ است و در ضمن گریختن سلطان علی بہ جموں در تاریخ خود اینطور نقل کردہ است:

"مولانا نادری کہ بعد از ملا احمد کشمیری بمنصب ملک الشعرا ی مفوض بود، در بعض مصنیفات خود آوردہ کہ چون سلطان علی بجموں کہ دختر فرمانروائی آنجا در حبالہ نکاح سلطان بود.. الخ" ۶

محمد اعظم دیدہ مری اطلاعاتی را کہ در تاریخ حیدر ملک چادورہ ذکر شدہ است ہیچ اضافہ نکرده است او ہم در تتبع حیدر ملک عیناً ہمین مطالب در تاریخش نقل کردہ. بنظر می آید کہ محمد اعظم این مطالب را از تاریخ حیدر ملک برداشته:

"مولانا نادری کشمیری بعد مولانا احمد کشمیری افصح شعرا بود، در تاریخ خود نوشت کہ سلطان علی بہ جموں رسید بچہت اینکہ زوجہ اش دختر راجہ جموں بود و راجہ آنجا بر ترک ملک ملامت نمود". ۷

صاحب تاریخ حسن نیز در مورد این تاریخ فقط اینقدر نوشته است که این اثر در زمان زین العابدین نوشته شده است فقط اسمش معلوم و جشمس معدوم. ۸ سخنان پیر حسن نشان می دهد که او هم تاریخ نادری را ندیده است با وجود اینکه پس از وقایع ملک کشمیر بوجود آمده است. در تذکره شعرای کشمیر آمده است که تصانیف دیگر نیز داشت که هیچ اثری از آنها پیدا نیست فقط یک شعر بدست رسیده است که این است:

برقع نور است بر رخسار آتش نازک تو یا ز تاب عارضت آتش فتاب در نقاب ۹
اما خالی از تعجب نیست که مثل تاریخ وقایع ملک کشمیر مورخین متقدمین مانند سید علی ماگرے و مولف بهارستان شاهی در تواریخ خود نامی از ملانادری نبرده است.

تاریخ قاضی حمید:

ما اطلاعات بسیار کمی در مورد این تاریخ در دسترس داریم و در هیچ منابع از کیفیت و کمیت آن چیزی نوشته نشده است. آنچه در مورد این اثر مهم می یابیم بیش از چند نکته نیست. این امر بم قابل ذکر است که یکی از اولین منابع فارسی یعنی بهارستان شاهی در باره این تاریخ لب بسته است. بنظر می رسد که این تاریخ در دسترس مولف بهارستان نبود و از آن بهره نبرده باشد. اولین کسی ما را با این تاریخ آشنا کرد سید علی ماگرے بود. از گفته ی مورخ حسن معلوم می شود که این تاریخ بم در عهد سلطان زین العابدین نوشته شده بود. او می نویسد که

” تاریخ قاضی حمید در زمان بدشاه تصنیف کرده است نقل آن نایاب ” ۱۰

غلام محی الدین صوفی نیز به گفته مورخ حسن تایید کرده و قاضی حمید را از علمای عهد بدشاهی شمرده است. قاضی حمید در عهد سلطان زین العابدین قاضی القضا بود و تا عهد سلطان حسن شاه در قید حیات بود. هنگام آتش سوزی، علاو الدین پوره در سال ۵۸۸ هجری خانقاه معلی نیز در آتش سوخت. سلطان حسن شاه سرزمین گرد و نواحی آن که خانه ها داشته خرید و خانقاه را وسیع کرد و قاضی حمید الدین پدر قاضی ابراهیم را متولی، خانقاه مقرر کرد تا اُوراد خوانان و منزویان و خلوت کشان آن بقعه محتاج بلباس و خوراک و دارو نباشند. ۱۱

مولف و اقعاع کشمیر نیز همچنین مطالب را در یک جمله کوتاه خلاصه کرده است:

” قاضی حمید الدین پدر قاضی ابراهیم مورخ را تولیت خانقاه و بقاع خیر آن فرمود ” ۱۲.

مؤلف کشمیریز در مورد این تاریخ همان نظری را بیان کرده است که سید علی ماگرے بیان کرده بود. این امر نشان می دهد که منبع اطلاعات او نیز تاریخ سید علی است. او می نویسد:

”Qazi Hamid came of a family that held the office of Qazi or administration of justice. He is reputed to be the author of a goog history of Kashmir, which unfortunately can not be traced today.“^{۱۳}

یکی از مهم ترین آثار آن دوره، تاریخ قاضی ابراهیم بود. وی در آخرین دوره خاندان شایمیری قاضی شهر و پدرش در زمان سلطان زین العابدین قاضی القضا بود. شواهد تاریخ ابراهیم در منابع مختلف یافته می شود مانند اینکه سید علی ماگرے در تاریخ خود بعضی جاها به تاریخ ابراهیمی اشاره کرده و عبارتها نقل کرده است ولی مؤلف بهارستان و حیدر ملک از سخنی نگفته است. از دیدگاه غلام محی الدین صوفی این تاریخ تکامل تاریخ حمیدی است و توسط پسرش ابراهیم تکمیل شده است. صوفی دیدگاه خود اینطور بیان می کند:

”His (Qazi Hamid) son Qazi Ibrahim took up the continuation of the history left by his father but this history too, is not extant.“^{۱۴}

علاوه بر کتاب های فوق، در دوره های مختلف کتاب های بسیار دیگری نوشته شده که در اثر حوادث زمان منقرض شده اند چنان که مبحث ما معرفی مختصری کتب مفقود شده بعهد زین العابدین است به بمین دلیل درباره، کتاب هایی که در آن زمان نوشته شده بود سخن گفتیم.

نتیجه گیری:

کتابهای تاریخ کشمیر که الحال مفقود العصر است، نه تنها خسارت زیادی به زبان و ادبیات فارسی وارد کرده است بلکه تاریخ بم به شدت تحت تاثیر خود گرفت زیرا قسمت بزرگی از تاریخ کشمیر در پرده، اخفا مانده است. غیر از تاریخ این متون بیانگر تمدن و فرهنگ نیز باشند. از بین رفتن این کتاب ها اطلاعات زیادی مربوط به تمدن کشمیر، شیوه ی زندگی مردم، شرائط سیاسی و اجتماعی آن زمان در قعر نابودی رفته است. اگر این تاریخ های مهم میسر می شد شاید از لحاظ تاریخ نگاری فصل جدیدی باز می شد و بسیاری از حقایق تاریخی روشن می شد اما تا حال هیچ اثری از آنها در دسترس ما نیست. ممکن است در آینده این آثار مهم یافته می شوند و فصل جدیدی در زمینه تاریخ و زبان و ادبیات فارسی گشوده شود.

مآخذ و منابع؛

- ۱- تقی زاده، سید حسین؛ مانی و دین او، چاپ خانه مجلس تهران، ۱۳۳۵، ص ۱۱، ۵۲۵، ۵۲۷
- ۲- صوفی، غلام محی الدین؛ کشیر، جلد ۱، لانت اینڈ لایف پبلشر، نئی دہلی، ۱۹۴۷، ص ۷۶
- ۳- کھوپہامی، پیر غلام حسن؛ تاریخ حسن ج ۲ ناشر: محکمہ تحقیق و اشاعت حکومت جموں و کشمیر، ص ۱۶
- ۴- بدایونی، ملا عبد القادر؛ منتخب التواریخ، بہ تصحیح کپتان ولیم ناسو لیس و مولوی احمد علی صاحب، ج دوم، کلکتہ، ۱۸۶۵، ص ۴۰۱-۴۰۲
- ۵- صوفی، غلام محی الدین؛ کشیر، جلد ۱، لانت اینڈ لایف پبلشر، نئی دہلی، ۱۹۴۷ء ص ۱۶۸
- ۶- چاڈورہ، حیدر ملک؛ تاریخ کشمیر، تدوین دکترا جہ بانو، ناشر: جے، کے بکس، ۲۰۱۳ء ص ۶۰
- ۷- دیدہ مری، محمد اعظم؛ واقعات کشمیر قلمی، نمبر اندراج ۶۱۷۵، محکمہ تحقیق و اشاعت حکومت جموں و کشمیر، ورق ۵۴ الف
- ۸- کھوپہامی، پیر غلام حسن؛ تاریخ حسن ج ۱، ناشر: محکمہ تحقیق و اشاعت حکومت جموں و کشمیر، ۱۹۵۴ء ص ۳۷۱
- ۹- راشدی، زید حسام الدین؛ تذکرہ شعرا کشمیر، ج ۴، ناشر: اقبال اکادمی کراچی، مئی ۱۹۶۹ء ص ۱۵۷۹
- ۱۰- کھوپہامی، پیر غلام حسن؛ تاریخ حسن ج ۱، ناشر: محکمہ تحقیق و اشاعت حکومت جموں و کشمیر، ۱۹۵۴ء، ص ۳۷۱
- ۱۱- ماگرے، سید علی بن سید محمد؛ تاریخ کشمیر، ناشر: شعبہ تحقیق و اشاعت حکومت جموں و کشمیر، ۱۹۹۳ء ص ۳۸
- ۱۲- دیدہ مری، محمد اعظم؛ واقعات کشمیر قلمی: نمبر اندراج ۶۱۷۵، محکمہ تحقیق و اشاعت حکومت جموں و کشمیر، ورق ۷۴ الف
- ۱۳- صوفی، غلام محی الدین؛ کشیر، جلد ۱، لانت اینڈ لایف پبلشر، نئی دہلی، ۱۹۷۴ء، ص ۱۲۲
- ۱۴- ایضاً

جلوه های عرفان در شعر استاد خلیل الله خلیلی

دکتر ثمینه امین

دانشکده بانوان راه مولانا آزاد سرینگر

reshisameena19108@gmail.com

چکیده

درین شکی نیست که استاد خلیلی با دشواری‌های فراوانی که در زندگی داشته از او شاعری ساخته با ذوق بلند عارفانه که ما این ذوق عارفانه را در اشعار هر دو دوره‌ی زندگی او هم قبل از سال 1357 که از بیست سالگی شروع شده و هم بعد از سال 1357 که تنها نه سال را دربر گرفته و بعد روی در نقاب خاک کشیده، به خوبی می‌توانیم ببینیم. استاد خلیلی گرچه با مولانا جلال الدین محمد بلخی، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، حکیم سنایی غزنوی، حافظ، مولانا جامی و دیگر شاعران عارف ما حشر و نشر عمیق و ریشه‌دار دارد؛ ولی از جهاتی می‌شود او را شاگرد مکتب علامه اقبال لاهوری دانست که علامه اقبال خود دل‌باخته مولانا است. جلوه‌های عرفانی اعم از مقامات و احوال و میادین عرفانی در اشعار استاد خلیلی بازتابی فراوان دارد که بیان‌گر ذوق عارفانه‌ی این شاعر زیباکلام و صوفی‌مشرّب می‌باشد. توبه و رع، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا که مقامات هفتگانه تصوفی به شمار می‌رود، همچنین مراقبه، قرب، محبت، خوف، رجاء، شوق، انس، اطمینان، مشاهده و یقین که به قول ابونصر سراج در کتاب اللمع، احوال صوفیاء به حساب می‌آیند، به وفور در جای جای شعر و سخن استاد خلیلی تجلی داشته، انعکاس عمیقی دارد.

کلید واژه‌ها: خلیل الله خلیلی، تصوف، عرفان، مقامات، احوال صوفیه.

بیان مساله

اگرچه در نگاه نخست، اشعار استاد خلیل الله خلیلی، بیش‌تر اشعار مناسبتی بوده و اشعار بعدی او هم در دوران مقاومت دارای بوی درد و آزادی به‌شمار می‌باشد؛ ولی با تعمق در مفاهیم آن، آشکار می‌شود که اشعار استاد خلیل الله خلیلی سرشار از آموز-های دینی، تعلیمی، اخلاقی و مخصوصاً عرفانی است که حکایت از بینش عمیق عرفانی استاد خلیلی دارد. بینشی که ریشه در عرفان شاعرانی چون مولانا، اقبال لاهوری، سنایی، عطار جامی دارد. با توجه به فقر پژوهشی موجود در این زمینه،